

بررسی الگوهای نام‌گذاری مسلمانان از بعثت تا پایان حکومت امویان (با تکیه بر مردم مکه و مدینه)

ساسان طهماسبی*
محمودرضا کوه‌کن**

چکیده

با گسترش دین اسلام در حجاز، الگوهای نام‌گذاری اعراب متحول شد و نام‌های دوران جاهلی جای خود را به نام‌های اسلامی دادند. این فرایند که با اقدامات پیامبر خدا ﷺ آغاز شد، در دوران خلفای راشدین ادامه یافت و تا پایان دوره اموی، الگوی اسلامی متفاوتی را به وجود آورد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آمار، به بررسی الگوهای نام‌گذاری مسلمانان در حجاز از بعثت پیامبر خدا ﷺ تا پایان دوران اموی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نام‌هایی که یادآور بت پرستی بودند یا معنای ناپسندی داشتند، در نسل اول مردان مسلمانان به سرعت محو شدند و نام‌هایی که نشان از یکتاپرستی داشتند، در نسل دوم به نام‌های غالب تبدیل شدند، ولی تغییر الگوی نام‌گذاری زنان با تأخیر بیشتری انجام شد. همچنین، بروز فرقه‌گرایی بین مسلمانان و سیاست‌های امویان علیه تشیع، بر نام‌گذاری مسلمانان تأثیر گذاشت و رقابتی آشکار بین نام‌های ائمه شیعه علیهم‌السلام و نام‌های خلفای سه‌گانه به وجود آورد.

واژگان کلیدی

الگوی نام‌گذاری، نام‌های اسلامی، نام‌گذاری زنان، نام‌های ائمه شیعه، نام‌های خلفای اول.

مقدمه

نام به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت فردی همواره در طول تاریخ، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و الگوهای نام‌گذاری هر دوره از شرایط فرهنگی و اجتماعی آن حکایت دارند. ظهور اسلام و هجرت پیامبر خدا ﷺ از مکه به یثرب، زمینه را برای تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی در این شهر فراهم آورد. یثرب از آن پس «مدینه‌النبی» نامیده شد و پیامبر ﷺ اقدامات وسیعی در راستای ایجاد جامعه‌ای نوین، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و عاری از فرهنگ جاهلی انجام دادند. ایشان با بسترسازی و ایجاد الگوهای جدید برای جامعه نوپای اسلامی که اینک «امت» نامیده می‌شود، سعی کردند از فرهنگ و سنت‌های جاهلی پیشین عبور کنند. در چنین شرایطی، الگوهای فراگیر جدیدی برای نام‌گذاری یا تغییر نام افراد رایج شد و نام‌های دوران جاهلی جای خود را به نام‌های جدیدی دادند که از فرهنگ یکتاپرستی و ادیان الهی پیشین نشئت می‌گرفتند.

هدف این پژوهش بررسی چگونگی و فرایند تغییر الگوی نام‌گذاری مسلمانان حجاز در صدر اسلام و ترویج نام‌های دینی و اسلامی به‌جای نام‌های جاهلی است. همین‌طور، اقدامات پیامبر خدا ﷺ در این زمینه را با اقدامات خلفای راشدین مقایسه می‌کند و تأثیر فرقه‌گرایی و سیاست‌های خصمانه امویان نسبت به ائمه شیعه علیهم‌السلام بر این فرایند را مورد کنکاش قرار می‌دهد. انجام این پژوهش از این جهت ضروری است که روند پیدایش و ترویج فرهنگ اسلامی را تشریح می‌کند و به این پرسش بنیادی پاسخ می‌دهد: مسلمانان حجاز در صدر اسلام از چه الگوهایی برای نام‌گذاری تبعیت می‌کردند و فرایند تکوین این الگوها چگونه بود؟

در مورد نام‌گذاری و نام‌های اسلامی تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است. ریچارد بولت^۱ در کتاب **گروش به اسلام در قرون میانه**، برای بررسی روند گرایش ایرانیان به اسلام، نمودارهایی از الگوهای نام‌گذاری ایرانیان و ارتباط آن با گرایش به اسلام ترسیم کرده است.^۲ آنه ماری شیمل^۳ در کتاب **نام‌های اسلامی** به اختصار، به مباحثی از قبیل نام‌های اعراب پیش از اسلام، پرداخته است.^۴ اما هیچ‌کدام به آغاز فرایند پیدایش نام‌های اسلامی در حجاز، اقدامات پیامبر خدا ﷺ و خلفای راشدین برای ترویج الگوهای اسلامی نام‌گذاری و مسائل مرتبط با آن توجه نکرده‌اند؛ مباحثی که در این پژوهش با استفاده از آمار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

1. Richard Bulliet.

۲. بولت، **گروش به اسلام در قرون میانه**.

3. Annemarie Schimmel.

۴. شیمل، **نام‌های اسلامی**.

الگوهای نام‌گذاری اعراب پیش از اسلام

پیش از اسلام، اعراب از الگوهای متنوعی برای نام‌گذاری استفاده می‌کردند. نام‌های حیوانات کاربرد گسترده‌ای داشت و علاوه بر حیواناتی مانند شیر (اسد)، از نام‌های حیواناتی چون گوسفند (عَئِم)، ملخ (جُنْدَب)، کبوتر ماده (عِکْرَمَة) و غُرَاب (کلاغ سیاه) نیز استفاده می‌شد. در میان مشرکان، تعدادی با این نام‌ها یافت می‌شود: عَئِم بن کِنَانَة، جُنْدَب بن حارث، عِکْرَمَة بن عامر، غُرَاب بن سفیان.^۱

نام‌هایی نیز با ترکیب کلمه عبد (بنده) ساخته می‌شد. طبری در مورد نام‌های فرزندان قصی بن کلاب می‌نویسد: «قصی می‌گفته بود: چهار پسر آوردم و دو تا را به بت خویش نامیدم و یکی را به خانه‌ام و یکی دیگر را به خودم. و این چهار پسر عبدمناف و عبدالعزی و عبدالدار و عبدقصی بودند». ^۲ برخی از نام‌هایی که با ترکیب عبد ساخته می‌شد، به بت‌ها^۳ اشاره دارند: عبدمناف بن کنانه،^۴ عبدالعزّی بن عبدالمطلب (ابوالهَب)، الاسود بن عبدیغوث،^۵ عمرو بن عبدشمس بن عبدوَد. ^۶ به علاوه، نام‌هایی با ترکیب عبد و برخی اسامی که در میان بت‌ها ذکر نشده‌اند، نیز دیده می‌شود: عبدیزید بن هاشم،^۷ عبدعمرو،^۸ حارث بن عبدقیس^۹ و عبدالاسد مخزومی.^{۱۰} شاید یزید، عمرو و قیس بت بودند، اما فراموش شدند. این فرض را نیز می‌توان مطرح کرد که از بزرگان صاحب‌نام قبایل و طوایف بودند و پس از مرگشان، چنین نام‌هایی برای تکریم آنها رواج یافت.

از برخی واژه‌ها که معانی ناپسندی داشتند؛ مانند سیباع (درنده)، ظالم و ضرار (آسیب) نیز برای نام‌گذاری استفاده می‌کردند: سیباع بن عبدالعزّی،^{۱۱} ظالم بن فزاره،^{۱۲} ضرار بن عبدالمطلب.^{۱۳}

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۸۶.

۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۳، ص ۸۰۵.

۳. ابن کلیبی نام برخی از بت‌ها را ذکر می‌کند: اساف، نائله، یغوث، یعوق، نسر، رثام، مناة، فُلس، لات، عزی، ذوالخلص، ذوالکفین، وَد، سواع. (ابن کلیبی، *الأصنام*، ص ۵۵ - ۵۲، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۷۴، ۷۷، ۸۹ و ۹۰) ابن سعد و بلاذری از بت‌هایی به نام‌های بُوَانه و ذوالشری نیز نام می‌برند. (ابن سعد، *طبقات*، ج ۲، ص ۱۳۵ و ج ۴، ص ۲۱۷؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۱۴۱۹)

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۳۳۷.

۵. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۲۹۶ و ۳۱۱.

۶. ابن اسحاق، *کتاب السیر و المغازی*، ص ۲۲۵.

۷. خلیفة بن خیاط، *تاریخ خلیفة ابن خیاط*، ص ۳۷.

۸. واقدی، *مغازی*، ص ۱۶۲.

۹. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۵۲۷.

۱۰. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۳۶۲.

۱۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۸۳۱.

۱۲. ابن قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۸۳.

۱۳. همان، ص ۱۱۸.

نام‌های زنان نیز از الگوهایی مشابه نام‌های مردان تبعیت می‌کردند. از نام‌های بت‌ها برای نام‌گذاری زنان نیز استفاده می‌شد؛ با این تفاوت که نام‌های ترکیبی با کلمهٔ عبد کاربردی نداشتند و صرفاً نام بت نائله^۱ که مادینه بود، برای نام‌گذاری زنان به کار می‌رفت.^۲ زنانی نیز با نام‌های حیوانات؛ مانند ارنبه (خرگوش) دیده می‌شوند.^۳ از برخی واژگان ناپسند مانند قُتَيْلَه (کشته شده) نیز استفاده می‌شد: قُتَيْلَه دختر عمرو بن هلال.^۴

در کنار نام‌های ذکر شده که نشان‌گر بت‌پرستی بودند یا معانی ناپسندی داشتند، اعراب از نام عبدالله نیز که یادآور دوران یکتاپرستی بود، استفاده می‌کردند. یکی از اسرای قریش در جنگ بدر، عبدالله بن حُمَید نام داشت و یکی از مشرکانی که در جنگ اُحد کشته شد، عبدالله بن عبدالعزی بود.^۵

اقدامات پیامبر خدا ﷺ برای تغییر نام‌های عصر جاهلی

پیامبر ﷺ از نخستین روزهای دعوت، به مسلمان توصیه می‌کردند نام‌های نیکو برای فرزندان خود انتخاب کنید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَكَدَهُ الْأِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحْسِنْ أَحَدَكُمْ إِسْمًا وَكَدَهُ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش می‌بخشد، نام نیکو است؛ پس هر یک از شما نامی نیک بر فرزندش نهد».^۶ در حدیثی دیگر فرمودند: «لا تَبْرَدُوا بَرِيداً إِلَّا حَسَنَ الْوَجْهِ حَسَنَ الْأِسْمِ؛ فرستاده‌ای اعزام نکنید، مگر اینکه خوش‌نام و خوش‌سیما باشد».^۷

پیامبر ﷺ کوشیدند نام‌های پسندیده یا مبین یکتاپرستی را ترویج دهند. به همین دلیل، برای فرزندان مسلمانان، که برای نام‌گذاری به ایشان مراجعه می‌کردند، این‌گونه نام‌ها را برمی‌گزیدند. در میان نام‌هایی که بیان‌گر یکتاپرستی بودند، پیامبر ﷺ نام‌های عبدالرحمن و عبدالله را ترجیح می‌دادند و این دو نام را از بهترین نام‌ها می‌دانستند.^۸ یکی از اولین کودکانی که توسط پیامبر ﷺ از این نام‌ها بهره‌مند شد،

۱. در مورد منشأ این بت گفته می‌شود که مردی به نام اساف و زنی به نام نائله به دلیل ارتکاب زنا در کعبه، سنگ شدند. اعراب آن سنگ‌ها را برای عبرت دیگران در کعبه نهادند، اما به تدریج، به بت تبدیل شدند. (واقدی، مغازی، ص ۶۴۳؛

کلبی، الاضنام، ص ۵۲)

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۸۱

۳. واقدی، مغازی، ص ۶۳۱

۴. همان، ص ۱۴۸.

۵. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۱۰.

۶. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۷.

۷. ابن‌عبدربه الاندلسی، العقد الفرید، ج ۲، ص ۱۵۸.

۸. ابن‌اثیر، اسد الغابه فی المعرفة الصحابه، ص ۷۶۷.

عبدالله بن زبیر بود که به‌عنوان اولین مولود مهاجرین، در سال اول هجری در مدینه، به دنیا آمد.^۱ به علاوه، اگر فردی که نامش یادآور بت پرستی بود، به دین اسلام گرایش پیدا می‌کرد، پیامبر ﷺ اسمش را تغییر می‌دادند و برای او نامی که معرف یکتاپرستی بود، انتخاب می‌کردند. خلیفه ابوبکر یکی از معروف‌ترین آنهاست. نام وی عبدالکعبه بود، اما پیامبر ﷺ آن را به عبدالله تغییر دادند.^۲ پیامبر ﷺ نام عبدالرحمن بن عوف (م. ۳۲ ق) را نیز تغییر دادند. به گفتهٔ بلاذری، نامش عبدعمرو یا عبدالکعبه بود.^۳ واقدی نامش را عبدعمرو ثبت کرده است^۴ اما ابن قتیبه نام او را عبدحارث می‌داند.^۵ پیامبر ﷺ تعداد دیگری از این نام‌ها را نیز تغییر دادند. در میان آنها، ده عبدالعزّی دیده می‌شود.^۶ عبدالکعبه یکی دیگر از این نام‌ها بود. علاوه بر خلیفه ابوبکر و عبدالرحمن بن عوف، نام سه تن دیگر از مسلمانان نیز عبدالکعبه بود و توسط پیامبر ﷺ به عبدالرحمن تغییر یافتند.^۷ نام‌هایی مانند عبدمناف،^۸ عبدعوف،^۹ عبدالحارث،^{۱۰} عبدشمس،^{۱۱} عبدالحجر^{۱۲} و عبدالجان^{۱۳} به عبدالله تغییر یافتند و اسامی عبدکلال^{۱۴} و عبدنهم^{۱۵} جای خود را به عبدالرحمن دادند. عبدعمرو نیز به بکر^{۱۶} و عبدشیر به عبدخیر^{۱۷} تغییر یافتند.

پیامبر ﷺ نام‌هایی را که جزء نام‌های خداوند (أسماء الحُسنى) به‌شمار می‌رفتند، تغییر می‌دادند. پس از تغییر کنیه فردی از ابالحکم به اباشریح (بر اساس نام پسرش)، فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَاكِمُ، لَمْ تُكْنِيَ أَبَا الْحَكَمِ؛

۱. همان، ص ۶۶۹.
۲. مسعودی، *التنبيه الاشراف*، ص ۲۶۱.
۳. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۶۲.
۴. واقدی، *مغازی*، ص ۶۲.
۵. ابن قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۲۳۵.
۶. ابن سعد، *طبقات*، ج ۴، ص ۳۱۳، ۳۹۸؛ ابن اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۸۷، ۷۶۳، ۷۹۲ - ۷۹۰ و ۱۳۳۰.
۷. ابن اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۷۰۰، ۷۶۷ و ۷۷۸.
۸. همان، ص ۲۰۳.
۹. همان، ص ۶۳۸.
۱۰. همان، ص ۶۵۷ و ۶۷۳.
۱۱. ابن سعد، *طبقات*، ج ۴، ص ۴۰.
۱۲. همان، ج ۶، ص ۴۱۲؛ ابن اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۶۶۲.
۱۳. ابن حزم الاندلسی، *جمهرة أنساب العرب*، ص ۱۳۰.
۱۴. ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۳۰۴.
۱۵. ابن اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۶۸۷.
۱۶. همان، ص ۱۲۷.
۱۷. همان، ص ۳۱۰.

همانا خداوند حاکم است، کنیه خود را ابا الحکم انتخاب نکنید»^۱. بر همین اساس، نام هایی؛ مانند عزیز را به عَبْدِالْعَزِيز و عبدالرحمن،^۲ جَبَّار را به عبدالجبار،^۳ حَكَم را به عبدالله^۴ و قَيُّوم را به عبدقَيُّوم^۵ تغییر دادند. به علاوه، برخی نام های ناپسند طوایف، زنان و مردان از قبیل بنو صماء (ناشنوا) را به بنو سمیع^۶ (شنوا)، غافل را به عاقل،^۷ عاص را به مسلم،^۸ عاصی را به مُطِيع،^۹ عاصیه (شورش‌ی) را مُطِيعه،^{۱۰} اَسود (سیاه) را به اَبِيض (سفید)،^{۱۱} بغیض (عصبانی) را به حَبِيب،^{۱۲} ظالم را به راشد،^{۱۳} شیطان را به عبدالله^{۱۴} و جَثَمَة (بختک) را به حَضَانَة (در آغوش گرفتن)^{۱۵} تغییر دادند. پیامبر ﷺ استفاده از نام برخی اجرام و اشیاء را نیز ناپسند می دانستند و نام هایی از قبیل شهاب را به هشام و مسلم،^{۱۶} حُبَاب را به عبدالله^{۱۷} و میسم (آهن داغ) را به مسلم^{۱۸} تغییر دادند.

استفاده از نام های حیوانات و میوه ها یا حداقل برخی از آنها نیز از نظر پیامبر ﷺ ناپسند تلقی می شد. بر همین اساس، نام یکی از مسلمانان را از غُرَاب (کلاغ سیاه) به مُسَلَم تغییر دادند.^{۱۹} پیامبر ﷺ نام هایی را که نشانه خودستایی بودند، ناپسند می دانستند و بر همین اساس، نام دو تن از همسرانش را از برة (نیکوکار) تغییر دادند. یکی از آنها دختر جحش بود که نام زینب را برایش برگزیدند.^{۲۰} دیگری دختر حارث بود که نامش به

۱. همان، ص ۱۲۱۶.

۲. همان، ص ۷۹۰؛ ابن سعد، *طبقات*، ج ۶، ص ۷۴۲.

۳. اَبی نُعَيم الاصبهانی، *مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ*، ص ۵۲۷.

۴. ابن اثیر، *اسدُ الغایة فی المَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ*، ص ۲۸۸.

۵. اَبی نُعَيم الاصبهانی، *مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ*، ص ۲۳۶۲.

۶. ابن سعد، *طبقات*، ج ۴، ص ۳۳۷.

۷. ابن ماکولا، *الإکمال*، ص ۲۳.

۸. ابن اثیر، *اسدُ الغایة فی المَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ*، ص ۱۱۲۹.

۹. همان، ص ۱۳۸ - ۱۱۳۷.

۱۰. ابن سعد، *طبقات*، ج ۸، ص ۳۵۸.

۱۱. ابن منده، *مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ*، ج ۱، ص ۱۹۶.

۱۲. ابن حزم الاندلسی، *جمهرة أنساب العرب*، ص ۲۱۱.

۱۳. ابن اثیر، *اسدُ الغایة فی المَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ*، ص ۳۷۲.

۱۴. همان، ص ۱۱۲۹.

۱۵. همان، ص ۱۴۸۸.

۱۶. ابن سعد، *طبقات*، ج ۷، ص ۲۳؛ اَبی نُعَيم الاصبهانی، *مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ*، ص ۱۴۷۸.

۱۷. اَبی نُعَيم الاصبهانی، *مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ*، ص ۸۶۹.

۱۸. همان، ص ۱۱۲۸.

۱۹. ابن سعد، *طبقات*، ج ۶، ص ۳۴۷.

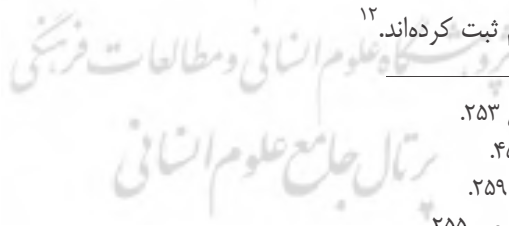
۲۰. مهنا و جابر، *أخبار النساء فی العقد الفرید*، ص ۹۵.

جویریّه تغییر یافت.^۱ نام برة دختر همسرش ام سلمه (م. ۶۰ق) را نیز به زینب تغییر دادند و فرمودند: «تُرْكُوا أَنْفُسَكُمْ اللَّهُ أَعْلَمُ يَا هَلْ أَلْبِرٌ مِنْكُمْ؛ خودتان را نستاوید! خداوند به نیکوکاران شما آگاه‌تر است!».^۲ به علاوه، نام‌هایی مانند حُصَيْن (مستحکم) را به عبدالله،^۳ اکبر را به بشیر^۴ و طَيْبُ را به عبدالرحمن^۵ تغییر دادند.

نام‌هایی که معانی تحقیرآمیزی داشتند، به توصیه پیامبر ﷺ تغییر می‌کردند و نام‌هایی با معانی پسندیده انتخاب می‌شد. نام مَهَّان (خوارشده) به مَكْرَم (تکریم شده)^۶ و قلیل به کثیر^۷ تغییر یافت. برخی نام‌هایی که پیامبر ﷺ تغییر دادند، ظاهراً معنی ناپسندی نداشتند. به عنوان نمونه، می‌توان به تغییر سائب (روان)^۸ و ولید (فرزند)^۹ به عبدالله اشاره کرد. در این مورد، به نظر می‌رسد که پیامبر ﷺ صرفاً قصد داشتند، نام‌هایی مانند عبدالله را که نشان‌گر یکتاپرستی بودند، ترویج دهند.

اقدامات پیامبر ﷺ به تغییر تمام نام‌ها منجر نشد، زیرا برخی از مسلمانان در مقابل تغییر نامشان مقاومت می‌کردند. یکی از آنها حَزْنُ بن ابی‌وهب بود. پیامبر نامش را از حَزْنُ (اندوه) به سهل تغییر داد. اما وی گفت که این نام را پدر و مادرم برایم برگزیدند و با آن در میان مردم معروف شده‌ام. بنابراین، پیامبر ﷺ از تغییر نامش منصرف شدند.^{۱۰} مسلم است که پیامبر در مورد تغییر برخی نام‌ها، بیشتر به توصیه متوسل می‌شدند تا به اجبار. به همین دلیل، در میان یاران‌شان افرادی با نام‌های ثعلب (روباه)، سیاع (درنده)، جُنْدُب (ملخ) و عَتَّاب (پرخاش) دیده می‌شود: ثعلبة بن حاطب، ثعلبة بن غَنَمَه، سیاع بن عَرْفُطَه، جُنْدُب بن مَكِيث و عَتَّاب بن أُسَيْد.^{۱۱}

در مقابل، برخی از مسلمانان خودشان به تغییر نامشان اقدام کردند. یکی از آنها ابوهریره (م. ۵۹ق) محدث برجسته بود. در مورد نام پیشین او، منابع با یکدیگر اختلاف دارند و آن را دوس، عبدشمس، عبد عمرو، عبدنهم و عبدغنم ثبت کرده‌اند.^{۱۲}



۱. ابن‌ماکولا، *الإكمال*، ج ۱، ص ۲۵۳.
۲. ابن‌سعد، *طبقات*، ج ۸، ص ۴۵۸.
۳. ابن‌هشام، *المغازی*، ج ۲، ص ۲۵۹.
۴. ابن‌منده، *معرفة الصحابة*، ج ۱، ص ۲۵۵.
۵. ابن‌اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۶۰۲.
۶. همان، ص ۱۱۶۶.
۷. ابی‌نعیم الاصبهانی، *معرفة الصحابة*، ص ۲۳۹۳.
۸. ابن‌اثیر، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، ص ۴۴۹.
۹. ابی‌نعیم الاصبهانی، *معرفة الصحابة*، ص ۱۷۹۸ - ۱۷۹۷.
۱۰. ابن‌قتیبه، *المعارف*، ص ۴۳۷؛ ابن‌سعد، *طبقات*، ج ۵، ص ۲۳۸.
۱۱. واقدی، *مغازی*، ص ۱۲۳، ۳۰۰، ۴۳۳ و ۶۸۰.
۱۲. ابن‌اسحاق، *کتاب السیر و المغازی*، ص ۲۸۶؛ ابن‌قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۲۷۷؛ ابن‌سعد، *طبقات*، ج ۴، ص ۲۹۴ - ۲۹۳.

ترویج نام‌های دینی و اسلامی

پیامبر خدا ﷺ نه تنها نام‌های ناپسند دوران جاهلیت را تغییر می‌دادند، بلکه نام‌های پسندیده‌ای را که پیش از آن، مورد استفاده قرار می‌گرفتند، گسترش دادند و نام‌هایی از قبیل زینب، حسن، حسین، محمد و نام‌های پیامبران پیشین را که در میان اعراب رواج نداشتند یا به‌ندرت دیده می‌شدند، ترویج دادند.

هرچند دختر بزرگ ایشان؛ یعنی زینب (م. ۸ ق) پیش از بعثت متولد شد،^۱ اما انتخاب این نام و تغییر نام دختر ام سلمه به زینب که پیشتر به آن اشاره شد، حامل این پیام بود که پیامبر ﷺ این نام را توصیه می‌کند. پس از نام‌گذاری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، فرمودند: «الحسن و الحسين اسمان من أسماء اهل الجنة، لم یكونا فی الجاهلیة؛ حسن و حسین دو نام از نام‌های بهشتیان است و این دو نام در جاهلیت نبوده است».^۲ پیامبر ﷺ نام خودشان را نیز به مسلمانان توصیه می‌کردند. یکی از نخستین کسانی که توسط پیامبر علیه السلام، محمد نامیده شد، محمد بن طلحه بود.^۳ نام محمد بن الحنفیه (م. ۸۱ ق) فرزند امام علی علیه السلام نیز پیش از تولدش، توسط پیامبر علیه السلام انتخاب شد.^۴

ترویج نام‌های پیامبران پیشین یکی دیگر از اقدامات پیامبر علیه السلام برای ترویج نام‌های دینی بود. هرچند یهودیان مدینه با نام‌های پیامبران بنی اسرائیل و سایر پیامبران آشنایی داشتند، شواهد کافی وجود ندارد تا اثبات کند که از این نام‌ها برای نام‌گذاری خود استفاده می‌کردند. البته در میان آنها سه تن به نام‌های یوشع، نون بن یوشع و عزیز بن ابی عزیز دیده می‌شود.^۵ ولی هیچ فردی با نام سایر پیامبران از جمله موسی وجود ندارد.

پیامبر علیه السلام برای تشویق مسلمانان به استفاده از نام‌های پیامبران، یکی از پسرانش را ابراهیم نام نهادند و برای برخی از کودکان مسلمان این نام‌ها را انتخاب کردند. پس از انتخاب نام یحیی بن خالد، فرمودند: «او را نامی می‌گذارم که تاکنون کسی را به آن نام، نام ننهاده‌اند و آن نام یحیی بن زکریاء است...».^۶ به علاوه، برخی از نام‌های دوران جاهلی را به این نام‌ها تغییر دادند. یکی از آنها سلیمان بن صرد خزاعی رهبر توابعین بود. نام پیشین وی یسار (چپ) بود، اما پس از گرایش به اسلام، پیامبر علیه السلام نام سلیمان را برایش برگزیدند.^۷

۱. همان، ج ۸، ص ۲۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۶.

۳. همان، ص ۱۷۳.

۴. همان، ص ۲۱۰.

۵. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۶۸۸؛ واقدی، *مغازی*، ص ۵۳۹؛ ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۹۷.

۶. ابن سعد، *طبقات*، ج ۵، ص ۱۹۱.

۷. همان، ج ۴، ص ۲۶۵.

توصیه و تأکید پیامبر ﷺ بر انتخاب نام‌های دینی و اسلامی، از همان سال‌های نخست بعثت، اثرات خود را نشان داد، زیرا برخی از مسلمانان برای نام‌گذاری فرزندان، از این نام‌ها استفاده کردند. یکی از آنها حارث بن خالد بن صخر بود. وی که در هجرت دوم مسلمان به حبشه شرکت داشت، در آنجا صاحب یک پسر و دو دختر شد و آنها را موسی، زینب و فاطمه نام نهاد.^۱ عیاش بن ابی‌ربیع نیز در حبشه صاحب پسری شد و او را عبدالله نامید.^۲ جعفر بن ابی‌طالب و ابوحنیفه بن عتبه نیز در آنجا صاحب دو پسر شدند و هر دو را محمد نام نهادند.^۳

رویکرد خلفای راشدین به نام‌گذاری مسلمانان

در مورد رویکرد ابوبکر (خلافت: ۱۱ - ۱۳ ق) به نام‌گذاری مسلمانان، هیچ گزارشی در منابع وجود ندارد. اصولاً دوران خلافتش کوتاه‌تر از آن بود که بتواند اقدامی در این زمینه انجام دهد. اما عمر (خلافت: ۱۳ - ۲۳ ق) فرصت کافی برای پرداختن به این مسائل داشت. شواهد نشان می‌دهد که در این زمینه بسیار جدی بود و هرگاه با فردی که نامی ناپسند داشت، روبرو می‌شد، او را مذمت می‌کرد. به ظالم بن سراقه گفت: خودت ظلم می‌کنی و پدرت سرقت می‌کرد.^۴ عمر نیز مانند پیامبر ﷺ این نام‌ها را تغییر می‌داد. به‌عنوان نمونه، نام فردی به نام اجدع (بینی‌بریده) را به عبدالرحمان تغییر داد.^۵

روش عمر در مورد نام‌گذاری، از یک نظر با اقدامات پیامبر ﷺ در تضاد بود، زیرا استفاده از نام‌های پیامبران را منع و حتی برخی را وادار کرد نامشان را تغییر دهند. همه پسرچهارها و نوجوانان مدینه را که نامشان محمد یا نام پیامبران پیشین بود، به خانه‌ای برد تا نامشان را تغییر دهد. اما پدرانشان آمدند و دلیل و گواه آوردند که پیامبر ﷺ آنها را نام‌گذاری کردند. بنابراین، عمر از نیت خویش منصرف شد.^۶ البته کسانی که نامشان را پیامبر ﷺ انتخاب نکرده بودند، ناچار به تغییر کرد. یکی از آنها عبدالرحمان بن سعید (متوفی ۹۴ق) بود که نامش را از موسی به عبدالرحمان تغییر داد.^۷ عبدالرحمان بن حارث نیز نامش را از ابراهیم به عبدالرحمان تغییر داد.^۸

۱. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۲۵۶؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۷۱.

۲. ابن‌سعد، *طبقات*، ج ۸، ص ۳۱۳ - ۳۱۲.

۳. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۴۷ و ۴۴۹.

۴. ابن‌عبدربه الاندلسی، *العقد الفرید*، ج ۲، ص ۱۵۷.

۵. ابن‌سعد، *طبقات*، ج ۶، ص ۵۲۲.

۶. همان، ج ۵، ص ۱۸۹.

۷. همان، ص ۱۷۲.

۸. ابن‌قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۲۸۲.

عُمَر نام فردی به نام ابوعبدالحمید را از محمد به عبدالرحمان تغییر داد. در مورد دلیل آن گفته شده است: «عمر بن خطاب به ابوعبدالحمید که نامش محمد بود نگریست و مردی مشغول نفرین کردن و دشنام دادن به او بود. عمر گفت: ای پسر زید نزد من بیا نمی‌توانم ببینم به کسی که نامش محمد است دشنام داده شود و به خدا سوگند تا هنگامی که من زنده باشم نباید به تو محمد گفته شود. و نام او را به عبدالرحمان تغییر داد.»^۱ همین‌طور، محمد بن طلحه (م. ۳۶ ق) را احضار کرد تا نامش را تغییر دهد، اما چون محمد سوگند خورد که پیامبر ﷺ نامش را انتخاب کرد، عُمَر منصرف شد و گفت: «راهی برای تغییر نامی که محمد ﷺ نهاده است نیست».^۲

منابع در مورد دلیل پافشاری عُمَر بر تغییر نام‌های پیامبران، سکوت کرده‌اند. البته ماجرای تغییر نام ابوعبدالحمید نشان می‌دهد که عُمَر از این که برخی افراد که نامشان همانم پیامبران است، با رفتار خود این نام‌ها را در معرض توهین قرار می‌دهند، آزرده‌خاطر بود.

در مورد اقدامات و موضع‌گیری عثمان بن عفان (خلافت: ۲۳ - ۳۵ ق) در این زمینه هیچ گزارشی در منابع وجود ندارد و مشخص نیست که چه سیاستی در پیش گرفت. دوران خلافت امام علی ﷺ نیز کوتاه بود و منابع در مورد رویکرد ایشان سکوت کرده‌اند. اما از فردی به نام عطیة بن سعد بن جُناده (م. ۱۱۱ ق) نقل شده است که وقتی متولد شد، پدرش او را نزد امام علی ﷺ برد و از او خواست که نامی برایش انتخاب کند. ایشان فرمود: «این عطیه خداوند است و نام او عطیه شد».^۳ این گزارش نشان می‌دهد که امام ﷺ راه پیامبر ﷺ و خلیفه دوم را در زمینه ترویج نام‌های اسلامی و پسندیده ادامه دادند.

میزان تأثیرگذاری اقدامات پیامبر خدا ﷺ و خلفای راشدین بر نام‌گذاری مسلمانان

هرچند گزارش‌ها و شواهدی که در مباحث پیشین ارائه شد، نشان می‌دهند که با گسترش دین اسلام در حجاز، نام‌های اسلامی و دینی جای نام‌های جاهلی را گرفتند، اما این بدین معنی نیست که نام‌های دوران جاهلی به‌طور کلی محو شدند، زیرا در میان اصحاب پیامبر ﷺ هنوز چنین نام‌هایی دیده می‌شد. به‌عنوان نمونه، هرچند پیامبر ﷺ نام حُصَین را تغییر دادند، اما در میان اصحابشان فردی به نام حُصَین بن بدر که مسئول جمع‌آوری صدقات طایفه بنی عوف بود، دیده می‌شود.^۴ به‌علاوه، یکی از اصحابشان سِباع بن عُرْفَطَه نام داشت.^۵ باین‌وجود، نام‌هایی که پیامبر ﷺ تأیید کردند، از طرف مسلمانان مورد

۱. ابن سعد، *طبقات*، ج ۵، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. همان، ج ۶، ص ۷۵۹.

۴. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۱۲۷۷.

۵. واقدی، *مغازی*، ص ۵۲۲.

پذیرش قرار گرفتند و نام‌های ناپسند به تدریج از الگوهای نام‌گذاری حذف شدند. برای سنجش میزان این تغییر و ارزیابی تأثیر سیاست‌های خلیفه عُمر برای جلوگیری از کاربرد نام محمد و سایر پیامبران، دو جامعه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین جامعه آماری شامل مهاجرین و انصار است که همگی پیش از بعثت به دنیا آمدند و در جنگ بدر و سایر جنگ‌های دوران پیامبر ﷺ شرکت کردند. اسامی این افراد نشان می‌دهد که نام‌های عبدالله، عبدالرحمن و نام‌های پیامبران پیشین تا چه میزان در میان اعراب دوران جاهلیت رایج بودند. بدین ترتیب، میزان تغییر الگوهای نام‌گذاری در نسل‌های بعدی سنجیده می‌شود. در جدول شماره یک، این سه جامعه به صورت سه گروه جداگانه، بر طبق الگوی کتاب طبقات ابن سعد گنجانده شدند.

دومین جامعه آماری، چهار طبقه نخست تابعین اهل مدینه را شامل می‌شود. اعضای این جامعه پس از بعثت پیامبر ﷺ به دنیا آمدند. با بررسی اسامی آنها مشخص می‌شود که نام‌های نسل دوم مسلمان تا چه میزان از دستورات پیامبر ﷺ و خلفای راشدین تبعیت کرده است. این چهار طبقه نیز بر طبق الگوی کتاب طبقات به طور جداگانه بررسی می‌شوند تا سیر تغییر الگوهای نام‌گذاری از بعثت تا پایان دوران امویان، سنجیده شود. تعیین دقیق دوران حیات اعضای این چهار طبقه ممکن نیست، زیرا فقط تاریخ تولد و مرگ برخی از آنها ذکر شده است. اما با اتکا به همین اطلاعات، می‌توان گفت که دوران زندگی طبقه اول، دوم و سوم تابعین با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و در فاصله بین نخستین سال‌های هجری تا پایان دوران اموی می‌زیستند. اعضای طبقه چهارم نیز در همین فاصله زمانی می‌زیستند، اما برخی از آنها دو دهه نخست حکومت عباسیان را نیز درک کردند.

در میان ۸۶ تن از مهاجرینی که در جنگ بدر شرکت کردند و با عنوان مهاجرین بدری شناخته می‌شوند، پنج عبدالله دیده می‌شود.^۱ یک عبدالرحمن نیز به چشم می‌خورد که همان عبدالرحمان بن عوف بود که پیامبر خدا ﷺ نامش را تغییر دادند. در این گروه فقط یک محمد دیده می‌شود که خود پیامبر ﷺ است. نام هیچ‌کدام از پیامبران پیشین در این گروه وجود ندارد.

در میان ۲۴۴ تن از مهاجرین و انصاری که در جنگ بدر شرکت نداشتند، اما در سایر جنگ‌ها بودند و در جدول، تحت عنوان غیر بدری گنجانده شدند، بیست عبدالله وجود دارد. البته نام دو تن از آنها را پیامبر ﷺ تغییر دادند.^۲ در این گروه چهار عبدالرحمن نیز دیده می‌شود.^۳ اما هیچ فردی با نام محمد و

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۳، ص ۷۷، ۱۳۹، ۳۴۵، ۳۴۸ و ۳۴۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۰، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۰، ۱۷۵، ۲۲۲، ۲۳۸، ۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۶، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۰ و ۳۴۴.

۳. همان، ص ۹۱، ۲۲۲، ۲۸۶ و ۳۳۷.

پیامبران پیشین وجود ندارد. در میان ۲۵۶ تن از انصاری که در جنگ بدر شرکت کردند و با عنوان انصار بدری در جدول گنجانده شدند، بیست عبدالله^۱ و یک محمد وجود دارد.^۲

در طبقه اول تابعین که تعدادشان ۱۴۰ تن است، پانزده عبدالله^۳ چهارده عبدالرحمن^۴، نه محمد^۵ و هفده تن با نام‌های یحیی، سلیمان، ابراهیم، ایوب، موسی، عیسی، یعقوب، زکریا، اسحاق، عمران و اسماعیل^۶ وجود دارد. در طبقه دوم که تعدادشان ۲۴۳ تن است، شانزده عبدالله^۷ چهارده عبدالرحمن^۸ و هجده محمد^۹ به چشم می‌خورد. نام یازده تن از پیامبران و پیشوایان پیشین نیز در این گروه دیده می‌شود: یحیی، سلیمان، شعیب، اسماعیل، اسحاق و داود.^{۱۰}

در طبقه سوم که تعدادشان ۹۱ نفر است، دوازده عبدالله^{۱۱} سه عبدالرحمن^{۱۲} و ده محمد^{۱۳} دیده می‌شود. یازده تن نیز با نام‌های ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، اسحاق، شعیب، صالح و موسی وجود دارد.^{۱۴} در طبقه چهارم که تعدادشان ۱۷۳ تن است، نوزده عبدالله^{۱۵} نه عبدالرحمن^{۱۶} و هفده محمد^{۱۷} وجود دارد. تعداد نام‌های پیامبران و پیشوایان دینی پیشین نیز به سی تن افزایش پیدا می‌کند و نام‌های جدیدی در میان آنها پدیدار می‌شود: ابراهیم، اسماعیل، داود، یعقوب، یحیی، سلیمان، صالح، ایوب، اسحاق، عیسی، عمران، موسی و هارون.^{۱۸}

۱. همان، ص ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۱۵، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۶، ۴۷۲، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۷ و ۴۹۱.
۲. همان، ص ۳۷۰.
۳. همان، ج ۵، ص ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۵، ۱۸۲ - ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۵، ۲۶۱، ۲۹۱ و ۲۹۳.
۴. همان، ص ۲۸، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۶ و ۲۸۸.
۵. همان، ص ۱۴۲، ۱۷۳، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۸۳ و ۲۸۷.
۶. همان، ص ۱۴۷، ۱۷۸، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۸۰ - ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۸۶ و ۲۸۷.
۷. همان، ص ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۷ - ۳۹۵، ۴۰۸.
۸. همان، ص ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۷ - ۳۸۵، ۳۹۴، ۴۰۹ و ۴۱۹.
۹. همان، ص ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۳ و ۴۰۹.
۱۰. همان، ص ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۱۶ و ۴۲۰.
۱۱. همان، ج ۶، ص ۴، ۵، ۱۳، ۱۶، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴ و ۱۳۶.
۱۲. همان، ص ۱۱۸، ۱۲۵ و ۱۳۵.
۱۳. همان، ص ۹، ۱۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۳۰.
۱۴. همان، ص ۱۸، ۱۰۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۰ و ۱۳۵ - ۱۳۳.
۱۵. همان، ص ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰ و ۲۲۱.
۱۶. همان، ص ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۹۱، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۲ و ۲۲۱.
۱۷. همان، ص ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۶ و ۲۲۱.
۱۸. همان، ص ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۹ - ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳ - ۲۱۹ و ۲۲۲.

جدول شماره ۱: ارزیابی تعداد نام‌های عبدالله، عبدالرحمن، محمد و پیامبران و پیشوایان سابق

نام طبقه	تعداد کل	عبدالله		عبدالرحمن		محمد		پیشوایان سابق		جمع فراوانی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
مهاجرین بدری	۸۶	۵	۵/۸۱	۱	۱/۱۶	۱	۱/۱۶	۰	۰	۷
مهاجرین و انصار غیر بدری	۲۴۴	۲۰	۸/۲۳	۴	۱/۶۴	۰	۰	۰	۰	۲۴
انصار بدری	۲۵۶	۲۰	۸/۴۰	۰	۰	۱	۰/۴۲	۰	۰	۲۱
طبقه اول تابعین مدینه	۱۴۰	۱۵	۱۰/۷۱	۱۴	۱۰	۹	۶/۴۲	۱۷	۱۲/۱۴	۵۵
طبقه دوم تابعین مدینه	۲۴۳	۱۶	۷/۵۹	۱۴	۶/۹۶	۱۸	۱۰/۱۲	۱۱	۵/۶۹	۵۹
طبقه سوم تابعین مدینه	۹۱	۱۲	۱۳/۱۸	۳	۳/۲۹	۱۰	۱۰/۹۸	۱۱	۱۲/۰۸	۳۶
طبقه چهارم تابعین مدینه	۱۷۳	۱۹	۱۰/۹۸	۹	۵/۲۰	۱۷	۹/۸۲	۳۰	۱۷/۳۴	۷۵
جمع فراوانی	۱۲۳۳	۱۰۷	-	۴۵	-	۵۶	-	۶۹	-	۲۷۷

ارقام این جدول نشان می‌دهد که نام‌های مذکور ۲۲/۵ درصد از کل نام‌ها را به خود اختصاص دادند. اما دو نکته شایان ذکر است. نخست آنکه تعداد عبدالله‌ها که آشکارترین نام یکتاپرستی است، در میان مهاجرین بدری ۵/۸۱ درصد، اما در میان انصار بدری ۷/۸۱ درصد است. این تفاوت چندان بارز نیست، با این حال نشان می‌دهد که مردم مدینه بیش از مردم مکه با یکتاپرستی آشنا بودند. نکته دوم آن است که کل نام‌های موردنظر ۸/۸۷ درصد نام‌های مهاجرین و انصار را به خود اختصاص داده بودند، اما این درصد در میان تابعین به ۳۴/۷۷ درصد افزایش یافت. این افزایش به‌خوبی گویای ترویج نام‌های دینی و اسلامی در میان نسل‌های بعدی مسلمانان است.

تأثیر فرقه‌گرایی و سیاست‌های امویان بر نام‌گذاری مسلمانان

پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ، اختلافات جدی بین مسلمانان بروز کرد و با قتل عثمان و به قدرت رسیدن امویان، به اوج خود رسید. این اختلافات و فرقه‌گرایی و مهم‌تر از همه، سیاست‌های خصمانه امویان نسبت به امام علی علیه السلام و شیعیان، بر الگوهای نام‌گذاری مسلمانان تأثیرگذار بود و باعث ایجاد محدودیت در استفاده از نام علی و حسن و حسین شد. خشم عبدالملک (خلافت: ۶۵ - ۸۶ ق) از نام و کنیه علی بن

عبدالله بن عباس (۴۰ - ۱۱۷ / ۱۱۸ ق) گویای این محدودیت است. چون وی در شب شهادت امام علی علیه السلام متولد شد، نامش را علی و کنیه اش را ابوالحسن انتخاب کردند. سال ها بعد، عبدالملک بن مروان به او گفت: «به خدا سوگند که نمی توانم این نام و کنیه را بر تو تحمل کنم یکی را تغییر بده». بنابراین، کنیه اش را به ابومحمد تغییر داد.^۱

برای بررسی این مسئله، میزان کاربرد نام های ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و حسین در جوامع آماری ذکر شده ارزیابی شدند تا مشخص شود که پیش از بعثت، این نام ها تا چه میزان در میان اعراب رایج بودند و نسل های بعدی مسلمانان چه رویکردی نسبت به آنها داشتند. بدین ترتیب، تأثیر سیاست های امویان بر جلوگیری از ترویج نام های امامان شیعه علیهم السلام ارزیابی خواهد شد.

در میان مهاجرین، هیچ فردی همنام ابوبکر، عمر و امام علی علیهم السلام دیده نمی شود و فقط نام خودشان در این گروه وجود دارد. اما علاوه بر عثمان بن عفان، فرد دیگری به نام عثمان بن مظعون نیز در این گروه دیده می شود.^۲ هیچ فردی با نام حسن و حسین در این گروه وجود ندارد و به نظر می رسد که این دو نام در میان اعراب کاربردی نداشتند.

در میان مهاجرین و انصاری که در جنگ بدر شرکت نکردند، فقط یک عثمان دیده می شود: عثمان بن عبدغنی.^۳ در بین انصاری که در جنگ بدر شرکت داشتند، هیچ فردی با نام های مورد نظر وجود ندارد. در مجموع، این آمار نشان می دهد که پیش از اسلام، این شش نام در میان اعراب چندان رواج نداشتند، ولی انتظار می رفت که به دلیل جایگاه این افراد در میان مسلمانان، در نسل های بعدی مسلمانان، افرادی با این نام ها پدیدار شوند.

در طبقه اول تابعین اهل مدینه فقط سه عمر دیده می شود.^۴ در طبقه دوم، دو ابوبکر، سه عمر، چهار عثمان، یک علی و یک حسن وجود دارد.^۵ در طبقه سوم، دو ابوبکر، پنج عمر، یک علی، دو حسن و یک حسین به چشم می خورد.^۶ در طبقه چهارم، پنج ابوبکر، ده عمر، پنج عثمان، دو حسن و یک حسین وجود دارد.^۷

غلبه تعداد نام های خلفای سه گانه بر نام های ائمه شیعه علیهم السلام، به خوبی گویای سخت گیری های امویان

۱. همان، ج ۶ ص ۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۲.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۳۶، ۲۶۸، ۲۸۴.

۵. همان، ص ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۹، ۳۵۹ - ۳۵۷، ۳۶۲ و ۳۹۲ - ۳۹۰.

۶. همان، ج ۶ ص ۱، ۷، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹ و ۱۳۲.

۷. همان، ص ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۰ - ۱۶۷، ۱۷۵ - ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰ و ۲۲۰.

بررسی الگوهای نام‌گذاری مسلمانان از بعثت تا پایان حکومت امویان □ ۷۳

برای محو کردن نام‌های ایشان و به‌طور ویژه نام امام علی علیه السلام است. به‌علاوه، فرایند غلبه تسنن بر شهر مدینه و سرتاسر حجاز را به تصویر می‌کشد. بررسی تبار صاحبان این نام‌ها نیز گویای این واقعیت است که بیشتر کسانی که نام‌های ائمه شیعه علیهم السلام را برای فرزندانشان برمی‌گزیدند، از خاندان بنی‌هاشم و فرزندان اصحاب برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ افرادی که جایگاه و اعتبار خانوادگی‌شان به آنها اجازه می‌داد تا در مقابل سخت‌گیری‌های امویان مقاومت کنند.

جدول شماره ۲: ارزیابی نام‌های ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و حسین

نام طبقه	تعداد کل	ابوبکر		عمر		عثمان		علی		حسن		حسین		جمع فراوانی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
مهاجرین بدری	۸۶	۱	۱/۱۶	۱	۱/۱۶	۲	۲/۳۲	۱	۱/۱۶	۰	۰	۰	۰	۵
مهاجرین و انصار غیر بدری	۲۴۴	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۴۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
انصار بدری	۲۵۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
طبقه اول تابعین مدینه	۱۴۰	۰	۰	۳	۲/۱۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
طبقه دوم تابعین مدینه	۲۴۳	۲	۱/۲۶	۳	۱/۸۹	۴	۲/۵۳	۱	۰/۶۳	۱	۰/۶۳	۰	۰	۱۱
طبقه سوم تابعین مدینه	۹۱	۲	۲/۱۹	۵	۵/۴۹	۰	۰	۱	۱/۰۹	۲	۲/۱۹	۱	۱/۰۹	۱۱
طبقه چهارم تابعین مدینه	۱۷۳	۵	۲/۸۹	۱۰	۵/۷۸	۵	۲/۸۹	۰	۰	۲	۱/۱۵	۱	۰/۵۷	۲۳
جمع فراوانی	۱۲۳۳	۱۰	۰	۲۱	۰	۱۲	۰	۳	۰	۵	۰	۲	۰	۵۳

بر اساس ارقام این جدول، تعداد نام‌های خلفا و ائمه شیعه علیهم السلام، فقط ۱/۰۲ درصد از نام‌های مهاجرین و انصار را به خود اختصاص داده بود، اما این رقم در میان تابعین به ۷/۴۱ درصد افزایش یافت. این افزایش بیان‌گر تأثیر فرقه‌گرایی و جایگاه این افراد بر الگوی نام‌گذاری مسلمانان است.

میزان تأثیرپذیری نام‌های زنان از الگوهای اسلامی و سیاست‌های امویان

علی‌رغم تغییراتی که دین اسلام در الگوهای نام‌گذاری ایجاد کرد، در میان زنان مسلمان مکه و مدینه،

نام‌های عقرب، ضباعه (کفتار ماده)، قُتيله (کشته شده) و هُزيلة (دشنام) دیده می‌شود: عقرب دختر سلام،^۱ ضباعه دختر زبیر،^۲ قُتيله دختر قیس^۳ و هُزيلة دختر حارث.^۴ چهار زن با نام نائله نیز در میان آنهاست.^۵ هرچند انتظار می‌رفت که در نسل دوم زنان مسلمان، چنین نامی به کار نرود، اما در این گروه نیز زنی به نام نائله دیده می‌شود.^۶ به علاوه، یکی از اصحاب پیامبر ﷺ ابو نائله الاشهلی نام داشت.^۷ یکی از زنان عثمان بن عفان که در دوران خلافتش، با او ازدواج کرد، نائله بنت فرافسه نام داشت.^۸ تداوم کاربرد این نام‌ها نشان می‌دهد که مدتی بیشتری طول کشید تا نام‌گذاری زنان نیز مانند نام‌گذاری مردان، مطابق الگوهای جدید اسلامی اصلاح شود. نکته تأمل‌برانگیز دیگر این است که در میان تمام این زنان، فقط یک زن به نام مریم وجود دارد: مریم دختر طارق که پس از بعثت متولد شد و از عایشه روایت کرد.^۹ فقدان نام مریم، علی‌رغم رواج یافتن نام عیسی و سایر پیامبران و پیشوایان سابق در میان مردان، گواه دیگری است بر آنکه هنوز الگوهای جدید نام‌گذاری در میان زنان رواج نیافته نبود.

برای بررسی الگوهای نام‌گذاری زنان مسلمان و میزان تأثیرپذیری آن از فرهنگ اسلامی، نام‌های زینب، فاطمه، ام‌کلثوم، رقیه و عایشه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا از یک سو مشخص شود که مسلمانان تا چه میزان از نام‌هایی که پیامبر ﷺ برای دختران خود استفاده کردند، برای نام‌گذاری فرزندانشان بهره گرفتند و از سوی دیگر، با مقایسه میزان استقبال از نام‌های عایشه و فاطمه، تأثیر فرقه‌گرایی و سیاست‌های امویان بر نام‌گذاری زنان سنجیده شود.

اولین جامعه آماری متشکل از هفتاد تن از زنان قریشی و زنانی از سایر قبایل است که به دین اسلام گرویدند. در میان آنها یک زینب، نه فاطمه و سه ام‌کلثوم دیده می‌شود.^{۱۰} در بین زنان غیر قریشی که با پیامبر ﷺ بیعت کردند و تعدادشان ۵۸ تن است، فقط یک فاطمه و یک زینب وجود دارد.^{۱۱} در میان زنان

۱. همان، ج ۸، ص ۳۳۲.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۱۵۱.

۴. همان، ص ۲۹۲.

۵. همان، ص ۳۳۲، ۳۷۰، ۳۷۸ و ۴۱۷.

۶. همان، ص ۴۸۱.

۷. ابی‌نعیم الاصبهانی، *معرفة الصحابة*، ص ۴۴۱؛ واقدی، *مغازی*، ص ۱۳۶۶.

۸. مهنا، *أخبار النساء في العقد القريني*، ص ۵۹؛ يموت، *شاعرات العرب في الجاهلية و الاسلام*، ص ۱۵۴.

۹. ابن‌سعد *طبقات*، ج ۸، ص ۴۸۷.

۱۰. همان، ص ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۶، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۴ و ۲۸۵.

۱۱. همان، ص ۲۹۸ و ۳۰۲.

انصار که تعدادشان ۳۴۹ تن است، چهار زینب، دو فاطمه، یک رقیه و سه عایشه دیده می‌شود.^۱ علاوه بر این زنان، اسامی ۹۴ زن که از همسران پیامبر ﷺ روایت کردند، در طبقات ابن سعد آمده است. هرچند به ندرت زمان تولد و مرگشان ذکر شده است، اما به صراحت می‌توان گفت که همگی بعد از بعثت متولد شدند. بنابراین، در جدول شماره سه با عنوان نسل دوم زنان مسلمان گنجانده شدند. در میان آنها شش زینب، چهار فاطمه، سه ام‌کلثوم و چهار عایشه دیده می‌شود.^۲

بررسی این نام‌ها نشان می‌دهد که پیش از اسلام، هر پنج نام در میان اعراب رواج داشتند، اما در مقام مقایسه، نام فاطمه به‌ویژه در میان قریش، از سایر نام‌ها رایج‌تر بود. با گسترش دین اسلام، نام‌های زینب، عایشه و ام‌کلثوم نیز مورد استقبال قرار گرفتند، اما در نسل دوم، تعداد فاطمه‌ها نسبت به زنان قریشی و هم‌پیمانانشان، کاهش یافته است. این کاهش را می‌توان نتیجه سخت‌گیری‌های امویان و غلبه تفکرات ضد شیعی دانست. به علاوه، تبار فاطمه‌ها نشان می‌دهد که درست مانند نام‌های ائمه شیعه علیهم‌السلام، بیشتر کسانی این نام را برای فرزندان‌شان انتخاب می‌کردند، از خاندان بنی‌هاشم و فرزندان صحابه برجسته پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند.

جدول شماره ۳: ارزیابی نام‌های زینب، فاطمه، ام‌کلثوم، رقیه و عایشه.

جمع فراوانی	عایشه		رقیه		ام‌کلثوم		فاطمه		زینب		تعداد کل	جامعه آماری
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۳	۰	۰	۰	۰	۴/۲۸	۳	۱۲/۸۵	۹	۱/۴۲	۱	۷۰	قریشی و هم‌پیمان
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۷۲	۱	۱/۷۲	۱	۵۸	غیر قریشی
۹	۰/۸۵	۳	۰/۲۸	۱	۰	۰	۰/۵۷	۲	۱/۱۴	۴	۳۴۹	انصار
۱۷	۴/۲۵	۴	۰	۰	۳/۱۹	۳	۴/۲۵	۴	۶/۳۸	۶	۹۴	نسل دوم
۴۲	۰	۷	۰	۱	۰	۶	۰	۱۶	۰	۱۲	۵۷۱	جمع فراوانی

ارقام این جدول نشان می‌دهد که نام‌های موردنظر ۵/۰۳ از نام‌های نسل اول مسلمانان را به خود اختصاص می‌دادند، اما تعدادشان در نسل دوم به ۱۸/۰۸ درصد افزایش یافت؛ افزایشی که بیان‌گر ترویج الگوهای جدید نام‌گذاری در میان این نسل است.

۱. همان، ص ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۸۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۱۶ و ۴۵۱.
 ۲. همان، ص ۴۶۰ - ۴۶۵، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۷ - ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۹۲ و ۴۹۴.

نتیجه

نام‌های اعراب پیش از اسلام نشان می‌دهد که از الگو و فرهنگ فراگیری تبعیت نمی‌کردند و هیچ‌گونه نظارت اجتماعی در میان آنها وجود نداشت، اما با ظهور دین اسلام، راه برای پیدایش فرهنگی فراگیر و مبتنی بر اصول دینی هموار شد. بنابراین، الگوهای جدیدی برای نام‌گذاری به‌وجود آمد و با اعمال نظارت از طرف پیامبر ﷺ، خلفای راشدین و جامعه نوپای اسلامی، نام‌های دوران جاهلی جای خود را به نام‌هایی دادند که نشان‌گر یکتاپرستی بودند یا معانی پسندیده‌ای داشتند. به‌علاوه، تغییر نام‌ها اقدامی نمادین محسوب می‌شد و نشان می‌داد که جامعه عرب مبتنی بر فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای، در حال گذار به سمت امت واحد اسلامی است.

غلبه بیش از ۳۹ درصدی نام‌های عبدالله، عبدالرحمن، محمد و نام‌های پیامبران و پیشوایان دینی پیش از پیامبر خدا ﷺ در طبقه اول تابعین و افزایش آن تا بیش از ۴۳ درصد، در طبقه چهارم تابعین، از پذیرش الگوی جدید نام‌گذاری توسط نسل دوم مسلمانان حکایت دارد و نشان می‌دهد که جامعه نوپای اسلامی می‌کوشید با انتخاب این نام‌ها که آشکارترین نشانه هویت فردی بودند، تعلق خاطرش به دین اسلام را اثبات کند.

افزایش تعداد نام‌های پیامبران بنی‌اسرائیل و سایر پیشوایان دینی قبل از ظهور دین اسلام، بیان‌گر افزایش آگاهی مسلمانان نسبت به تاریخ ادیان الهی است و افزایش چشم‌گیر این نام‌ها در طبقه چهارم تابعین، احتمالاً نتیجه افزایش تعداد کسانی است که نامشان عبدالله، عبدالرحمن و محمد بود؛ عاملی که باعث شد برخی به نام‌های پیامبران و پیشوایان دینی قبل از دین اسلام، روی آورند تا از هویت فردی متمایزتری برخوردار شوند. چون این نام‌ها مورد تأیید پیامبر ﷺ بودند، علی‌رغم مخالفت خلیفه دوم، تعداد زیادی از مسلمانان از آنها برای نام‌گذاری فرزندان‌شان استفاده کردند.

کاربرد اندک نام علی، حسن و حسین در میان تابعین اهل مدینه، سندی گویا بر سخت‌گیری‌های امویان علیه شیعیان است و روند غلبه تسنن و تفکرات ضد شیعی بر مدینه و مکه را به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر، بررسی نام‌های فرزندان صحابه پیامبر ﷺ به روشن شدن موضع‌گیری سیاسی آنها در مقابل ائمه شیعه علیه السلام و امویان کمک می‌کند. افرادی که از این نام‌ها و نام فاطمه برای نام‌گذاری فرزندان‌شان استفاده می‌کردند، نوعی مبارزه خاموش با امویان را در پیش گرفته بودند.

استفاده از نام بت‌ناثله توسط زنان مسلمان و بقای این نام تا نسل‌های دوم، نشان می‌دهد که هرچند اسلام تغییراتی بنیادین در زندگی زنان ایجاد کرد، اما این تغییر در قیاس با تغییری که در زندگی مردان ایجاد شد، با سرعت کمتری همراه بود و زدودن آثار فرهنگ جاهلی در مورد زنان با تأخیر بیشتری انجام شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین، *اسد الغابة في المعرفة الصحابة*، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۱۲ م.
۲. ابن اسحاق، محمد، *کتاب السیر و المغازی*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۹۷۸ م.
۳. ابن حزم الاندلسی، ابو محمد، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
۴. ابن خیاط، خلیفه، *تاریخ خلیفة ابن خیاط*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۳ م.
۵. ابن سعد، محمد، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۹.
۶. ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، *العقد الفريد*، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۳ م.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۹ م.
۸. ابن کلیبی، هشام، *الاصنام*، ترجمه یوسف فضایی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۴۸.
۹. ابن ماکولا، علی، *الإكمال*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۰ م.
۱۰. ابن منده، حافظ، *معرفة الصحابة*، تحقیق عامر حسن صبری، العین، مطبوعات جامعة الامارات العربیة المتحدة، ۲۰۰۵ م.
۱۱. ابن هشام، ابو محمد، *السيرة النبوية*، تحقیق احمد شمس الدین، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۹ م.
۱۲. ابي نعیم اصفهانی، احمد، *معرفة الصحابة*، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ریاض، لدار الوطن للنشر، ۱۹۹۸ م.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق یوسف مرعشی، بیروت، مؤسسه البیان، ۲۰۰۸ م.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۳، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.
۱۵. مسعودی، ابوالحسن، *التنبيه الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۶. مهنا، عبدالامیر و سمیر جابر، *أخبار النساء في العقد الفريد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۵ م.
۱۷. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، چ ۲، بیروت، مؤسسه آل‌البتیة الأحياء التراث، ۱۹۸۸ م.

۷۸ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۴، تابستان ۱۴۰۲، ش ۵۱

۱۸. واقدی، محمد بن عمر، *مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۹۶.
۱۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۹، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲۰. یموت، بشیر، *شاعرات العرب فی الجاهلیة و الاسلام*، بیروت، المكتبة الاهلیه، ۱۹۳۴ م.

